

# فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

## حریم خصوصی

بیستم: حکم حریم خصوصی، بحث فقهی

۹۳/۱/۱۸



## تعریف مختار

حریم خصوصی یک فرد بخشی از حیات آن فرد است شامل هویت، مکان، ارتباطات و کارهای او که نوع افراد یک جامعه مفروض مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرف کنند.

این تصرفات موارد ذیل را شامل می‌شود:

- **ورود** در مکان دیگری بدون حضور (دسترسی به اطلاعات دیگری در مکانی) یا افراد خانواده یا دوستان و فامیلش از جمله حضور در منزل او یا منزل دوستان یا فامیلش
- **نگاه و مشاهده** دیگری، نگاه به عکسهای خصوصی یا خانواده یا دوستان و فامیلش
- **آگاهی و مطالعه** دیگری یا آگاهی و مطالعه مکانهای حضور دیگری یا خانواده دیگری یا دوستان و فامیلش
- **نشر اطلاعات** دیگری، عکسهای خصوصی یا خانواده او یا دوستان و فامیلش
- **مداخله و فضولی** در رابطه ما با خانواده و دوستان و فامیل یا در کارهای او یا خانواده او یا دوستان و فامیلش
- **لمس** بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش
- **تماس** با بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش
- **معیت** با دیگری یا حضور یا ورود در مکان دیگری یا معیت با افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش



## دسته بندی روایات :

- دسته اول: وجوب استیذان برای ورود
  - دسته دوم: حرمت تتبع عورات
  - دسته سوم: حرمت تتبع لغزش‌ها
  - دسته چهارم: حرمت افشای اسرار
  - دسته پنجم: حرمت تجسس
  - دسته ششم: نهی از سرک کشیدن بر منزل دیگران
  - دسته هفتم: نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او
  - دسته هشتم: حرمت هتک ستر
  - دسته نهم: روایات تنزیل نگاه به منزله ورود
- اینک ببینیم که روایات شامل کدامیک از تصرفات مربوط به حریم خصوصی می‌شود:



## بررسی منابع فقهی: ۱- وجوب استیذان برای ورود

مقدمه :

در بحث قرانی دیدیم که حرمت تجسس دلیلی عام و مطلق در بحث ماست ولی فقها در مباحث مکاسب محرمه به طور مستقل به این بحث پرداخته‌اند و در ابواب دیگر نیز به طور مستقل از آن بحث نکرده‌اند ولی می‌توان برخی از مباحث گذشته را در میان کتب فقهی به طور متفرق یافت که از جمله به چند دسته بسنده می‌کنیم.

### ۱- وجوب استیذان برای ورود

الحجر / موجباته / الصغير / الاول البلوغ (جواهر الکلام)

- صاحب جواهر در بحث از موجبات محجوریت از جمله صغیر بودن را ذکر کرده و در تفسیر آن عدم بلوغ یا عدم رشد را شرط می‌کند یعنی فردی صغیر است که بالغ نباشد یا اگر بالغ است رشید نباشد (جواهر الکلام) و به تناسب در بحث از بلوغ به وجوب اجازه گرفتن آنان هنگام ورود به اتاق والدین اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید:

و أما وجوب الاستئذان فإنه وإن قل من تعرض له في كتب الفروع، و من ثم لم يشتهر الحكم به بين الناس حتى صار كالشريعة المنسوخة، لكن عن التبيان، و مجمع البيان، و روض الجنان، و كنز العرفان، و آیات الأحكام، و المسالك الجوادية و قلائد الدرر، النص عليه. و يدل عليه مضافا إلى أمر الكتاب - الذي هو أحق الأوامر بالإيجاب، و إطلاق النهي في قوله تعالى «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ» إلى آخره، و ما في التهجم على المساكن المختصة من الأذية و الخروج عن الآداب العقلية و الشرعية (جواهر الکلام)

او سپس به استنباط وجوب از آیات و ذکر برخی روایاتی که گذشت، می‌پردازد.



## بررسی منابع فقهی: ۱- وجوب استیذان برای ورود

او سپس به برخی روایاتی که گذشت اشاره می‌کند.

- از کلام او روشن است که کتبی که این حکم را از آنها نقل می‌کند از کتب تفسیری و نه از کتب فقهی است. و این نشان می‌دهد که گرچه فقهای پیشین به این مسأله پرداخته‌اند ولی در کتب تفسیری در ذیل آیات مربوط به وجوب استیذان این مسأله معروف بین مفسران است.

- از همین جا معلوم می‌شود که برخی احکام شرعی که در قرآن به آن اشاره شده است در کتب فقهی مورد بحث قرار نگرفته و لازم است که مسائلی در باب آداب و سبک زندگی به مباحث فقهی اضافه گردد که این حکم یکی از آن موارد است.



## بررسی منابع فقهی: ۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

فقه‌ها در کتاب قصاص و دیات بحثی در باره دفاع از حریم مطرح کرده و در باره اطلاع از حریم خصوصی افراد سخن گفته‌اند:

۱- شیخ مفید (م. ۴۱۳) اول فردی است که به نوعی به این بحث پرداخته و به نفی دیه و قصاص از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد فتوا داده است:

و كذلك (ای لم یکن له دية عليهم) من اطلع على قوم لينظر عوراتهم فزجروه فلم ينزجر فرموه فانقلعت عينه  
أو مات من الرمية لم یکن له دية و لا قصاص. (المقنعة)

این عبارت اختصاص به مواردی دارد که به قصد نظر به عورات صورت گیرد. عورات عبارتست از هر چه که در حالت عادی آشکار شدنش عیب است. این عبارت می‌رساند که ابتدا او را دور می‌کنند اگر نرفت می‌توانند به او صدمه بزنند و اگر چشمش کور شد یا مُرد دیه و قصاص ندارد.



## بررسی منابع فقهی: ۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

۲- همچنین شیخ طوسی (م. ۴۶۰) و ابن ادریس (م. ۵۹۸) و دیگر متأخران شیخ نیز بدون اشاره به هدف مطلع به صورتی مطلق حکم مسأله را در کتب خود آورده‌اند:

و من اطلع على قوم في دارهم، أو دخل عليهم من غير إذنهم، فزجروه فلم ينزجر، فرموه، فقتلوه، أو فقتلوا عينه، لم يكن عليهم شيء. (النهاية، السرائر، و مثله المراسم، المذهب)

این عبارت علاوه بر اطلاع، به ورود بدون اجازه نیز تصریح کرده است.

همچنین شیخ طوسی مسأله مشابهی را در کتاب خلاف خود آورده است:

مسألة ۳ [لا ضمان في رمي الناظر إلى حريم الرجل] إذا اطلع في بيت رجل، فنظر إلى حرمة، فله أن يرمي عينه، فإذا فعل، فذهب، فلا ضمان عليه. و به قال الشافعي. و قال أبو حنيفة: ليس له ذلك، فان فعله لزمه الضمان.

دلیلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم، و أيضاً براءة الذمة دليل هاهنا. و روى أبو هريرة أن النبي عليه السلام قال: من اطلع عليك فحذفته بحصاة، ففقت عينه، فلا جناح عليك. فإذا ثبت أنه لا جناح عليه فلا ضمان، لأن أحداً لا يفصل بين الأمرين. (الخلاف)



## بررسی منابع فقهی: ۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

شیخ طوسی جزئیات بیشتری را در باره این حکم در کتاب مبسوط خود آورده است (المبسوط) که متعاقباً با بیان شیواتری در کلام محقق حلی مشاهده می‌کنیم:

۳- محقق حلی (م. ۶۷۶) در کتاب حدود بابی را در باره دفاع از حریم مطرح کرده و می‌نویسد:

الثانية من اطلع على قوم فلهم زجره فلو أصر فرموه بحصاة أو عود فجنى ذلك عليه كانت الجنایة هدرا و لو بادره من غیر زجر ضمن و لو كان المطلاع رحماً لنساء صاحب المنزل اقتصر على زجره و لو رماه و الحال هذه فجنى عليه ضمن و لو كان من النساء مجردة جاز زجره و رميه لأنه ليس للمحرم هذا الاطلاع. (شرائع الاسلام)

آنچه عبارت محقق نسبت به عبارت شیخ مفید اضافه دارد این است که ممکن است مطلع از کسانی باشد که محرم زنان منزل باشد در عین حال باز می‌تواند او را از منزلش براند ولی نمی‌تواند به او صدمه‌ای بزند. قبل از محقق حلی، شیخ طوسی در مبسوط به این حکم اشاره کرده است.



## بررسی منابع فقهی: ۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

۴- علامه حلی (م. ۷۲۶) و شهید اول (م. ۷۸۶) نیز در کتب خود کلامی مشابه کلام محقق حلی آورده‌اند. (قواعد الاحکام؛ تحریر الاحکام؛ اللمعة الدمشقية)

شهید ثانی (م. ۹۶۶) در توضیح کلام شهید اول نکته‌ای آورده که جالب توجه است:

و لو اطلع على عورة قوم و لو إلى وجه امرأة ليست بمحرم للمطلع - فلهم زجره فإن امتنع و أصر على النظر جاز لهم رميه بما يندفع به فإن فعلوا فرموه بحصاة و نحوها فجني عليه كان هدرا و لو بدروه من غير زجر ضمنوه - .... و يجب التدرج في المرمي به من الأسهل إلى الأقوى - على وجه ينزجر به فإن لم يندفع إلا برميه بما يقتله فهدر (شرح اللمعة)



## بررسی منابع فقهی: ۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

۵- فاضل هندی (م. ۱۱۳۷) در توضیح کلام علامه در صورتی جنایت را هدر محسوب کرده است که:

اولاً قصد صدمه زدن به او را نداشته باشند  
و ثانیاً با چیزی که عادتاً موجب قتل یا کوری می شود پرتاب نکرده باشند.  
(کشف اللثام)

اما دلیلی بر کلام خود نیاورده است. در حالی که هم آیات و روایات و هم کلمات اصحاب در اینجا مطلق است و چنین قیودی را بر نمی تابد.



بررسی منابع فقهی:  
۲- نفی دیه و قصاص مطلعین

۶- صاحب جواهر (م. ۱۲۶۶) در توضیح عبارت محقق حلی آورده است:

(المسألة الثانية: من اطلع على عورات قوم) بقصد النظر إلى ما يحرم عليه منهم و لو من ملكه (فلهم زجره) قطعاً إذ هو من المدافعة عن العرض أيضاً، و حينئذ (فلو أصر فرموه بحصاة أو عود) أو غيرهما (ف) اتفق أنه (جنى ذلك عليه كانت الجنابة هدراً) بلا خلاف، بل الإجماع بقسميه عليه مع توقف الدفع عليها، بل و كذا لو تعمدوه بذلك مع الفرض المزبور، لأنه من المدافعة عن العرض، مضافاً إلى النصوص التي قدمناها في المحارب كصحيح حماد و خبر العلاء بن الفضيل و خبر أبي بصير و خبري عبيد بن زرارة بل في صحيح ابن مسلم ... و قد قلنا هناك: إن لم يكن إجماع كان مقتضى إطلاقها جواز المبادرة إلى ذلك، و كذا الكلام في اللص المحارب، بل و مطلق اللص، بل لم أجد في شيء من النصوص إشارة إلى الترتيب الذي ذكره.

عبارت اگر عمداً جنایتی بر او وارد کنند... رد قول فاضل هندی است.